

## استان مرکزی

### موقعیت جغرافیایی، آب و هوا منابع طبیعی

استان مرکزی با مساحتی معادل ۲۹۱۲۶.۵۶ کیلومترمربع، ۱.۷۹ درصد از مساحت کل کشور را به خود تخصیص داده و تقریباً در مرکز ایران بین ۳۳ درجه و ۲۳ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۳۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۵۶ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳ دقیقه طول شمالی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این استان از شمال به استان های تهران و قزوین، از جنوب به استان های لرستان و اصفهان، از شرق به استان قم و از غرب به استان همدان محدود می شود. بر اساس تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۷ دارای ۱۱ شهرستان، ۲۰ بخش، ۲۹ شهر، ۶۲ دهستان و ۱۲۷۳ آبادی دارای سکنه و ۱۸۱۴ آبادی خالی از سکنه بوده است.

استان مرکزی در زاویه برخورد دو رشته کوه البرز و زاگرس واقع است. ناهمواریهای این استان را قسمت هایی از کوههای مرکزی و پیشکوه های داخلی زاگرس تشکیل می دهد. پست ترین نقطه استان در دشتی در جنوب ساوه (۹۵۰ متر ارتفاع) و بلندترین نقطه آن قله شهباز (با ۳۳۸۸ متر ارتفاع) در رشته کوههای راسوند قرار دارد.

### آب و هوا

استان مرکزی که از یک طرف در کویر مرکزی و از طرف دیگر در محل زاویه چین خوردگی البرز و زاگرس واقع شده است دارای آب و هوایی متنوع است که عبارتند از:

۱- آب و هوای نیمه بیابانی: حدود ۳۸ درصد مساحت استان مرکزی در منطقه نیمه بیابانی قرار دارد. این اراضی بین کوهستان و بیابان واقع شده است. خاکهای این مناطق برای کشاورزی مناسب و استفاده از آب قنات و رودخانه در این نواحی میسر است. قسمت اعظم مراتع استان در این نواحی قرار دارد. تراکم جمعیت در این ناحیه نسبتاً زیاد است. این نوع آب و هوا را در ساوه و زرنديه می توان دید.

۲- آب و هوای معتدل کوهستانی: تقریباً نیمی از مساحت استان را این نوع آب و هوا در بر گرفته و سرزمین هایی را که بیش از ۱۵۰۰ متر ارتفاع دارند شامل می شود. بیشترین مراتع متوسط استان مرکزی در این ناحیه قرار گرفته است که پوشش گیاهی آن غنی تر و دوره رشد گیاهان نیز طولانی تر از نواحی دیگر است. متأسفانه چرای بی رویه دام ها، آسیب فراوانی به این مراتع وارد کرده است. در این نواحی امکان زراعت دیم غلات و همچنین امکان تجدید پوشش گیاهی جنگلی در نقاطی که خاک مناسب دارند وجود دارد این نوع آب و هوا را در شهرستانهای اراک، خمین، تفرش و محلات می توان مشاهده کرد.

۳- آب و هوای سرد کوهستانی: ۱۲ درصد از اراضی استان مرکزی که در ارتفاعات واقع شده اند، آب و هوای سرد دارند. وجود برف دائمی در قله ها، حاکی از آن است که میانگین دمای گرم ترین ماه سال نیز بسیار پایین است. مراتع مرغوب استان در این نواحی واقع شده اند شعبات رودخانه های دائمی استان از این مناطق سرچشمه می گیرند. تراکم جمعیت در این نواحی چندان زیاد نیست. نمونه این آب و هوا را می توان در شهرهای آستانه و شازند واقع در شهرستان شازند مشاهده نمود [۱].

### زبان

بیشتر مردم استان مرکزی به زبان فارسی سخن می گویند. زبان ترکی نیز در اکثر روستاهای اطراف اراک، سربند و ساوه رایج است. در دلیجان مردم به زبان راجی حرف می زنند که ریشه در زبانها و واژه های دوره مادی دارد.

در خصوص زبان راجی باید گفت که این زبان بس شگفت که نشانه های آن در بخشی از مرکز ایران چون دلیجان و محلات و نراق و ... برجای مانده است، زبانی است که بقایای آن فقط در منطقه تیمره از مناطق مرکزی ایران و در شهرهایی چون دلیجان، نیم ور، محلات و نراق صحبت می شده و اکنون فقط در بعضی مناطق شهر دلیجان بقایای بعضی لغات آن بر جای مانده است. ریشه واژه های این زبان از زبان مادی است. این گویش از گویش های مرکزی ایران از دسته شمال غربی است و در حال حاضر تعداد زیادی از ساکنین شهر دلیجان، نیم ور و روستاهای مجاور بدان سخن می گویند. واژه های زبان راجی در میان زبان های ایرانی با گویش های زبان فارسی خویشاوندی آشکار نیز دارد. این خویشاوندان در زبان فارسی و همه گویش

های فارسی با اندکی دگرگونی در آواها فراوان هستند. زبان های ارمنی یا بلوچی و گیلکی و نیشابوری از نزدیکترین زبانها به راجی هستند. نزدیکترین زبان به زبان راجی، لری و سمنانی است.

ترکی زبانی اصلی اکثریت نقاط روستایی شهر ساوه می باشد ولی فارسی تنها در شهر ساوه شهر مأمونیه و در روستاهای آوه و الوسجرد، زبان اصلی مردم می باشد و در سایر نقاط به عنوان زبان دوم با آن محاوره می شود. اما زبان کردی در روستای قره چای و شهر ساوه رایج می باشد. زبان ارمنی فقط در روستاهای چناقچی بالا و لار ساوه رایج است. گویش الویری از مشتقات زبان پهلوی میانه بوده و به گویش تاتی معروف است.

شهرستان محلات به زبان فارسی سخن می گویند. گویش اهالی روستای بزیجان محلات، ترکی با لهجه محلی است. تمامی اهالی به زبان ترکی صحبت می کنند و همچنین همگی اهالی کاملاً به زبان فارسی مسلط می باشند. اهالی دو روستای سعادت آباد و امیر آباد محلات به ترکی صحبت می کنند و این مردمان نیز فارسی را خوب می فهمند و گویش اهالی روستاهای خورمه محلات فارسی با لهجه محلی است. افغانی های ساکن خورمه به فارسی "دری" صحبت می کنند. اهالی روستای عیسی آباد محلات فارسی با لهجه محلی است. گویش اهالی کوه سفید محلات فارسی با لهجه محلی است که در گذشته به لری صحبت می کردند اما امروزه حتی افراد مسن نیز لری را به خاطر نمی آورند. نیم وری ها گویش رایج خودشان را فارسی می نامند و گویش اهالی همه نقاط اطراف را متوجه می شوند بجز دلیجان که راجی است. گویش اهالی گل چشمه محلات گویش خود را لفظ فارسی می نامند و گویش نقاط همجوار را به خوبی می فهمند بجز گویش اهالی دلیجان. تفاوت گویش گل چشمه با دیگر نقاط این است که دو حرف "ح" و "ع" را مانند عرب زبانان ادا می کنند. اما اهالی نینه محلات به دو دسته بختیاری و زندی تقسیم می شود که بختیاری ها به لری و زندی ها به لکی صحبت می کنند. گویش مشترک بین دو طایفه لری است. لازم به ذکر است که لری و لکی رایج در روستا به شدت با فارسی آمیخته شده و اغلب کلمات محاوره ای فارسی است. اهالی نینه محلات همگی به فارسی مسلط هستند.

گویش روستای یکه چاه محلات فارسی با لهجه محلی است که به گفته اهالی روستاهای دیگر خراسانی صحبت می کنند و لهجه شان متفاوت با دیگر روستاها است اما در برقراری ارتباط با اهالی نقاط دیگر مشکلی ندارند.

شهرستان خمین از مراکزی است که به علت وجود دشت های حاصلخیز مهاجر پذیر بوده است و اقوام مختلف در این منطقه به چشم می خورد. گروه های مهاجر به همراه فرهنگ و زبان مخصوص به خویش وارد شدند و بر اثر مرور زمان و در طی سالها در تبادلات فراوانی که با همسایگان داشتند. علاوه بر تأثیر گذاری، تأثیر پذیری نیز داشتند. کما اینکه امروزه در گروه های ترک زبان منطقه به خوبی مشاهده می شود که زبان ترکی کم کم به دست فراموشی سپرده می شود و بجز چند روستا جوانان رغبتی به یادگیری و استفاده از آن ندارند. در شهر خمین زبان های ترکی و لری نیز رواج دارد. در روستاهای مکان و خوگان، فارسی نیز تکلم می شود. در میان مناطق بررسی شده در شهرستان خمین زبان ترکی در غرب \_ شرق و شمال و زبان فارسی در مرکز و جنوب رواج دارد. روستاهای اطراف شهر خمین فارس زبان هستند.

همسایگان روستای مکان، ترک زبانند. همسایگان روستای خوگان نیز همچین ترک زبان هستند. در نزدیکی روستای ریجان علیا، روستای فرنق، آش مستیان و اهالی برجک، لر زبان هستند و بقیه به فارسی سخن می گویند.

روستاهای اطراف قیدو هما فارس زبان هستند. در شهر خمین و روستای قیدو جوان ها از زبان زرگری برای شوخی و مزاح استفاده می کنند. در بقیه نقاط بررسی شده زبان ساختگی وجود ندارد.

در طبقه بندی لهجه های ایرانی، آشتیانی از زمره لهجه های مرکزی ایران به شمار می آید و با لهجه های وفسی و امره ای قرابت دارد. در سال ۱۳۳۵ خورشیدی این لهجه در ۷ محله از بخش غربی شهر آشتیان متداول بوده و تنها روستائینی که بیش از ۴۰ سال داشتند و در آن زمان تعداد آنان بیش از ۱۵۰۰ تن نبود، بدان سخن می گفتند. فارسی به تدریج جای لهجه قدیم را گرفته است. تنها آثار مکتوب قدیمی به این لهجه، اشعار میرزا محمد علی بیدل آشتیانی (سده ۱۱ ق / ۱۷ م) است که در اصفهان پایتخت صفویان مستوفی بود. از مختصات این لهجه به کار رفتن (ژ) در وسط و آخر کلمات، غالباً به جای (ج) فارسی است مانند واجب = واژو ، کاج = کاژ. اهالی شهر آشتیان فارسی زبان می باشند اما لهجه آشتیانی که تا چند دهه پیش متداول بوده امروزه به ندرت توسط کهنسالان بکار می رود.

در دلیجان همانطور که پیشتر اشاره شد اهالی به زبان فارسی سخن می گویند اما در بعضی نقاط گویش راجی، رایجی یا دلیجانی حرف می زنند. گویش دلیجانی (راجی ، رایجی) بازمانده زبان باستانی ایران است. "راجی" ، منسوب و معرب ری است که به عبارتی به ری نسبت داده شده است. این واژه از دو جزء راج و ی شکل گرفته است و در کتب تاریخی گاه به

صورت گویش «رازی» از آن نام برده شده است. راج، معر «راگ» است که در زبان پهلوی نام شهر ری بوده است. تا حدود هشتاد سال پیش در شهر دلیمان و نراق (به خصوص محلات قدیمی آن مثل دنیاواران و پایین) مردم با گویش راجی صحبت می کردند. اما امروزه به سبب ورود تلویزیون، این لهجه زیر نفوذ زبان فارسی قرار گرفته و تنها سالخوردهگان واژه ها و جمله هایی از آن را به یاد دارند و در برخی روستاها سالخوردهگان فقط با این لهجه سخن می گویند و فارسی بلد نیستند. امروزه جوانان گرایش به سخن گفتن با این گویش را ندارند و به یقین می توان گفت که رو به فراموشی است. تعدادی از مهاجرین نیز به لهجه های خود سخن می گویند، که عبارتند از:

زندگی ها که به زبان لکی سخن می گویند، لرها که به زبان لری سخن می گویند و بختیاری ها نیز که به زبان لری حرف می زنند.

منطقه سربند آخرین نقطه ترکیب و اختلاط زبانی است که از یک سو ترکی و از دیگری فارسی، لری-ارمنی و کردی در تضاد و تجانس با یکدیگرند، اگر چه چند اقلیت ارمنه سعی دارند خود را فارسی زبان جلوه دهند لیکن گویش محلی بویژه با لهجه های کاملاً آشکار نشان از وجود چند زبانی را در منطقه می نماید.

مثلاً در مالمیر و قائیدان که مردمی با چهره های گویش لری و محلی دارند زبان خود را فارسی می دانند و گاه ابراز می دارند که ما نه ترکیم و نه لر هستیم و زبان بخصوصی داریم مثلاً به من مفی می گویند در حالیکه لرها می گویند مو. گرچه ریشه زبان فارسی و کردی و ارمنی و گویش لری همبستگی تام دارند، لیکن تغییرات صوری و اشکال مذهبی آنها را از هم جدا نمود. زبان کردی فقط بصورت ایلی «کلهر» وجود دارد روستاهای فارسی نشین به نسبت بیشتر از روستاهای ترک نشین است و در زبان ایشان ته لهجه ای دیده می شود.

زبان ترکی برخی از اهالی این منطقه منشعب از آسیای مرکزی است. گویش لری منشعب از کردی که همانطور که اشاره شد برخی از افراد این مناطق بدان سخن می گویند.

### پیشینه فرهنگی - تاریخی

نام «استان مرکزی» اگر چه منطقه ای معین در چارچوب تقسیمات کشوری را می نمایاند، اما یک هویت فرهنگی شناخته شده را در سایه خود پنهان می کند؛ هویت فرهنگی «عراق» را. منطقه ای که امروزه استان مرکزی نامیده می شود به لحاظ جغرافیایی در مرکز ایران واقع نیست. از لحاظ سیاسی نیز مرکزیت پایتختی ندارد. استان مرکزی، این نام را از زمانی که تهران مرکز آن بود، با خود دارد. پس از جدا شدن از تهران، شهرستان های باقی مانده، به مرکزیت اراک به همین نام، نامیده شدند. استان مرکزی، اگرچه مرکزیت جغرافیایی و مرکزیت سیاسی در کشور ندارد اما از کهن ترین زمان ها تا کنون شاهراه های ارتباطی از محدوده آن می گذشته است و با توجه به اهمیت راه در انتقال و تبادل فرهنگ، موضوع خطوط ارتباطی، از مقوله های بسیار مهم در مطالعات استان به شمار می آید. کاروانسراها، میل های راهنما و رباط های دوره اسلامی و پیش از آنها چارتاقی ها و آتشکده های دوره ساسانی، از تأسیسات مهم بین راهی در شاهراه ها و راه های تجاری و حتی راه های معمولی بین شهرها هستند. در منطقه استان مرکزی، آثار سی و یک کاروانسرای بزرگ و کوچک شناخته شده وجود دارد که تعداد زیادی از آنها هنوز سالم و با تغییر کاربری قابل بهره برداری هستند. این کاروانسراها از دوره سلجوقی تا دوره قاجاری را شامل می شوند. از شهرهای کنونی استان مرکزی، سازه عمده ترین مرکز بازرگانی بوده است و تعداد کاروانسراهای اطراف این شهر، از همه نقاط دیگر استان بیشتر بوده است. شهر ساوه بر سر راه شاه عباسی قرار داشته و این راه و شاخه ای از جاد ابریشم، از ری و از طریق ساوه به همدان می پیوسته است [۱] [۲]. امروزه هم راه آهن سراسری و چند شاهراه عمده شمالی - جنوبی و شرقی - غربی از خاک استان مرکزی می گذرد که بی تردید در رونق و توسعه فرهنگی منطقه نقش در خور توجهی دارد. این استان در روزگار هخامنشیان بخشی از ایالات مادها و قسمت هایی از جنوب آن بخشی از سرزمین الیمائیس بشمار می رفته، این استان در شمار کورست خوربران یعنی جایی که خورشید از آنجا می رود، شامل عراق، کرمانشاهان، کردستان، همدان و دیگر ولایات غربی ایران شهر بوده است [۱] [۳]. در زمان سلوکیان این منطقه، مخصوصاً قسمت شمالی آن (دهستان خورهه) مورد توجه حکام یونانی قرار گرفت. در زمان خسرو پرویز - پادشاه ساسانی - ایران به چهار بخش به نام های باختر (شمال)، خورآبان (مشرق)، نیمروز (جنوب) و خوربران (مغرب) تقسیم می شد. استان مرکزی امروزی در قلمرو خوربران قرار داشت. کل منطقه ای که امروزه در محدوده استان مرکزی قرار دارد و نیز بخش هایی که خارج از مرزهای سیاسی آن قرار گرفته اند، مانند کاشان، قم، خوانسار و گلپایگان و ... همه بخش بزرگی از سرزمین کهن «ماد» بوده اند که در سده های اخیر

به نام «عراق» نامیده شده اند. عراق، در متون جغرافیای تاریخی («مسالک و ممالک» ها) از حدود قرن های چهارم و پنجم هجری با نام های کوهستان، قهستان، ماه و جبال می آید و با کم و بیش تفاوت هایی، همه مناطق جنوب البرز، غرب خراسان و کویر، شمال فارس و خوزستان و غرب کردستان را شامل می شود و همه سرزمین های ماد کوچک را که با ماد کوچک را که با ماد آتورپاتکان شاهنشاهی ماد را تشکیل می دادند دربرمی گیرد. «... عراق نام ملکی بوده از ایران که حد شمالی اش آذربایجان و گیلان و مازندران، حد شرقی اش خراسان و حد جنوبی اش فارس و خوزستان و حد غربی اش لرستان ...» در رشت دروازه ای به نام عراق داشته اند که راه رشت به مناطق جنوب البرز، از آن آغاز می شده است. هنوز پیران گیلانی، همه سرزمین های جنوب البرز را عراق می نامند [۴].

## مذهب

قبل از حمله اعراب به ایران مردم این استان همانند سایر ایرانیان، دین زرتشتی داشته و یکتا پرست بوده اند وجود آتشکده های بزرگ، از قبیل آتشکده آتشکوه نیم ور، وره در آشتیان، آتشکده خوره در محلات، آتشکده برزو در راهجرد در شمال شرقی اراک، آتشکده آذرگشسب در فراهان و آتشکده های دیگر در شهرهای این استان دلیل بر این ادعا است. اما بعد از ورود اعراب مسلمان به ایران و تبلیغ دین اسلام در سراسر امپراتوری سرزمین های ایرانی، مردم به اسلام روی آورده و هم اکنون بیش از ۹۹٪ جمعیت استان را مسلمانان و مذهب شیعه اثنی عشری تشکیل می دهند. درصدی از جمعیت شهرستان اراک و شازند را مسیحیان ارمنی (گریگوری) تشکیل می دهند. درصد فوق العاده کمی از جمعیت این استان نیز پیرو ادیان دیگر می باشند.

استان مرکزی از مهمترین بلاد اسلامی است که در طول تاریخ توانسته به عنوان خاستگاه، مأمن و مکانی ویژه جهت ترویج دین اسلام مورد توجه مسلمانان و اسلام شناسان قرار گیرد، تربیت و پرورش مشاهیر، علما و نخبگان دینی متعدد در دوره های مختلف اسلامی گواه این مدعا است. وجود اماکن، بقاع متبرکه، مساجد، تکیه ها و حسینیه های متعدد، آداب و رسوم عزاداری و گرامیداشت یاد ائمه معصومین (ع) و احترام ویژه به فرزندان و نوادگان خاندان پیامبر اسلام، استان مرکزی را به عنوان یکی از قطبهای مهم گردشگری مذهبی در ایران تبدیل نموده است. مجموعه زیارتی مشهد اردهال، مجموعه زیارتی آستانه، مجموعه زیارتی ساروق، مسجد جامع ساوه، مسجد میدان ساوه و مسجد جامع شش ناو تفرش، این امکان را بوجود آورده است تا قطبهای گردشگری مذهبی، به عنوان مناطق نمونه مورد توجه مسئولان توسعه گردشگری کشور و همچنین مسئولان محلی و استانی قرار گیرد.

## شرایط اجتماعی

جمعیت استان (در سال ۱۳۸۵) ۱۳۵۱۲۵۷ نفر بوده است که ۹۳۲۷۰۳ نفر در نقاط شهری (۶۹٪) و ۴۱۹۱۸۴ نفر در نقاط روستائی (۳۱٪) زندگی می کنند، نسبت جنسی در این استان ۱۰۲۰۰۱ است، بدین صورت که از کل جمعیت استان در سال ۱۳۸۵، ۶۸۲۳۶۶ نفر مرد و ۶۶۸۸۹۱ نفر زن بوده اند. این استان دارای ۳۶۴۱۴۳ خانوار بوده است که در ۳۴۵ هزار واحد مسکونی بسر می برند. تراکم خانوار در واحد مسکونی ۱۰۶ و تراکم جمعیت در کل مساحت آن (۲۹۱۲۶.۵۶ کیلومتر مربع) ۴۶.۳۹ بوده است.

جدول مشخصات عمومی شهرستانهای استان مرکزی در سال ۱۳۸۸

تعداد کل روستا	تعداد دهستان	تعداد شهر	تعداد بخش	جمعیت (سال ۱۳۸۵)	مساحت (کیلومتر مربع)	
۴۰	۳	۱	۱	۲۱۱۲۱	۱۲۳۵.۹	آشتیان
۲۱۹	۱۵	۵	۴	۶۱۵۷۰۲	۵۵۹۴.۱	اراک
۱۳۰	۶	۲	۲	۴۸۵۹۱	۲۷۸۳.۴	تفرش
۱۸۳	۷	۲	۲	۱۱۰۱۹۵	۲۳۹۶.۶	خمین
۷۴	۴	۲	۱	۴۴۳۷۷	۲۲۱۴.۱	دلیجان
۱۴۵	۶	۵	۲	۵۸۳۸۷	۴۱۹۸.۱	زرنديه
۲۰۲	۷	۳	۲	۲۳۷۸۱۳	۴۶۹۸.۱	ساوه
۲۲۲	۸	۵	۳	۱۲۰۱۰۲	۲۶۹۰.۹	شازند
۷۲	۴	۲	۲	۴۵۷۲۳	۱۶۲۵.۹	کمیجان
۴۰	۲	۲	۱	۴۹۲۴۶	۱۹۶۸.۴	محلات
۱۳۲۷	۶۲	۲۹	۲۰	۱۳۵۱۲۵۷	۲۹۴۰.۶	استان

جدول وضعیت میانگین و میانه سنی جمعیت استان بر حسب جنس در نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۸۵

آبان ۱۳۸۵			شاخص
نقاط روستایی	نقاط شهری	کل استان	
۴۱۹۱۸۴	۹۳۲۰۷۳	۱۳۵۱۲۵۷	جمعیت
۲۷.۲۱	۲۸.۲۵	۲۹.۲۶	میانگین سنی
۲۶.۳۳	۲۵.۳۳	۲۵.۵۸	میانه سنی
۲۰۹۸۷۶	۴۷۲۴۹۱	۶۸۲۳۶۷	جمعیت مردان
۲۷.۱۱	۲۸.۳۸	۲۹.۲	میانگین سنی مردان
۲۵.۴۲	۲۵.۷۱	۲۵.۶۲	میانه سنی مردان
۲۰۹۳۰۸	۴۵۹۵۸۲	۶۶۸۸۹۰	جمعیت زنان
۲۷.۳۲	۲۸.۱۲	۲۹.۳۱	میانگین سنی زنان
۲۷.۲۳	۲۴.۹۵	۲۵.۵۳	میانه سنی زنان

[۱] -i سالنامه آماری استانداری استان مرکزی ۱۳۸۷

[۲] -ii پیرنیا محمدکریم، افسر کرامت اله. راه و رابط، انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، تهران ۱۳۵۰، ص ۹۷

[۳] -iii گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان مرکزی ۱۳۸۷-۱۳۸۶، دفتر برنامه ریزی و بودجه، بهار ۱۳۸۹، ص: ۸

[۴] -iv میرشکرایی محمد. عراق، در چشم انداز مردم شناسی (پژوهشی مردم شناختی درباره منطقه استان مرکزی). فصلنامه راه دانش، صص ۸-۱۰